

## کرامت انسانی بنیان ارزشی حقوق بشر

محمد جواد فیض (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Feiz@acecr.ac.ir

سید قاسم زمانی

استاد، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

drghzamani@gmail.com

### قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

#### چکیده

در عصر حاضر، کرامت انسانی به عنوان بنیان آرمانی حقوق بشر و هدف مطلوب بشریت مطرح است. جایگاه کرامت در اسناد بین‌المللی همواره در حال تحول و تکامل است و متاسفانه تاکنون به یک تعریف جامع دست نیافته است؛ از این رو برای روشن کردن جایگاه آن، ناگزیر ابعاد و نمودهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله این نمودها می‌توان به حق حیات، آزادی بیان، آزادی مذهب و حق برابری اشاره کرد که بر آنها در کنوانسیون‌ها و اسناد گوناگون تأکید شده است. امروزه اصطلاح کرامت و منزلت انسانی در تمامی اسناد مربوط به حقوق بشر به کار می‌رود و در برخی از این اسناد بر کرامت گروه‌های ویژه‌ای مانند زنان، کودکان، پناهندگان مهاجر تأکید شده است. نمونه‌های مورد بررسی تحقیق عبارت‌اند از: کنوانسیون حقوق بشر جهانی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سازمان ملل و ارکان آن، شورای اقتصادی و اجتماعی، اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر، آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه‌های اروپا، ولی متاسفانه نتایج بررسی نشان داد که از مفهوم کرامت انسانی در تفسیر گسترش حق‌های خصوصی تفاسیر متفاوتی میشود که با آموزه‌های دینی ما همخوانی ندارد. در اسناد بین‌المللی غالباً از عبارت "حیثیت و شرافت انسانی" بجای مفهوم کرامت انسانی استفاده شده، ضمن اینکه در مباحث حقوق بشری اصلاً به مفهوم کرامت انسان پرداخته نشده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کرامت انسانی به‌عنوان هسته مرکزی حقوق بین‌الملل بشر، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای عدالت، تضمین صلح و پیشگیری از نقض حقوق بنیادین بشر دارد. همچنین ایده و توجه به مفهوم کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری باعث می‌شود که در رویه قضایی مختلف یک مبنای مشترک برای تفسیر قضایی بین قضات وجود داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** کرامت انسانی، حقوق بشر، ارزش ذاتی انسان، اسناد بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

## **Human dignity as the fundamental value of human rights.**

### **Abstract**

In the present era, human dignity is considered as the ideal foundation of human rights and the desired goal of humanity. The position of dignity in international documents is constantly evolving and developing, and unfortunately, a comprehensive definition has not yet been achieved; therefore, in order to clarify its position, its dimensions and manifestations must be examined. Among these manifestations, we can mention the right to life, freedom of expression, freedom of religion, and the right to equality, which have been emphasized in various conventions and documents. Today, the term human dignity and standing is used in all documents related to human rights, and in some of these documents, the dignity of special groups such as women, children, and refugees and migrants has been emphasized. The examples examined in the study include: the Universal Convention on Human Rights, the European Convention on Human Rights, the Covenant on Civil and Political Rights, and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, the Economic and Social Council, the Declaration of the International Conference on Human Rights, the United Nations and its organs, the opinions of the International Court of Justice and the European Courts. Unfortunately, the results of the study showed that the concept of human dignity is interpreted differently in the interpretation of the expansion of private rights, which is not consistent with our religious teachings. In international documents, the phrase "human honor" is often used instead of the concept of human dignity, while in human rights discussions, the concept of human dignity is not addressed at all. The findings show that the idea and attention to the concept of human dignity in human rights documents causes a common basis for judicial interpretation among judges in different judicial procedures.

**Keywords:** Human dignity, human rights, Inherent human value, international documents, Universal Declaration of Human Rights

## مقدمه

مفهوم کرامت انسانی اصطلاحی است که به حقوق بین الملل از نوع بشر آن وارد شده است و در اسناد حقوق بشری متعددی که در سطوح مختلف بین المللی و منطقه ای به تصویب رسیده اند مورد تصریح قرار گرفته است این واژه در اکثر اسناد مربوط به حقوق بشر وجود دارد که منجمه می توان از اعلامیه جهانی حقوق بشر (که مبنای حقوق بشر در اعلامیه جهانی کرامت ذاتی انسان است) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مقدمه کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، مقدمه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون های چهارگانه، حقوق بشردوستانه، دیوان بین المللی کیفری و اعلامیه حقوق بشر اسلامی نام برد. بحث کرامت انسانی یکی از موضوعات محوری از لحاظ نظری و عملی است. لذا حقوقدانان به لحاظ نظری، در مورد تحلیل حق های انسانی و حقوق بشری بالاخص تحلیل ماهیت حق عموماً و رابطه آن با تکلیف خصوصاً صورت گرفته و این مباحث هم عمده‌تاً در فلسفه سیاسی به آن پرداخته می شود. انسان در اصل تکوین و ذات خویش بواسطه برخورداری از روح الهی که موهبتی الهی است، موجودی صاحب کرامت بوده و این کرامت نیز عطیه ای الهی است که همگی ابناء بشر را شامل می شود و این بیانگر صفت رحمانیت خدای سبحان است. "که انسان را مثال جمال خود آفرید" (هوگو گروسیوس، ۲۰۱۳: ۱۷۲). مفهوم کرامت انسانی که یک مفهوم نسبی است نقش محوری در گفتمان حقوق بشر ایفا می کند. در طول 77 سال گذشته یعنی از بعد تصویب منشور، نقش فزاینده‌ای در گفتمان سیاسی حقوق بشر و اسناد بین الملل حقوق بشر برجسته شده است. در عصر حاضر که کرامت انسانی به عنوان اساس حقوق بشر تصور شده با کرامت انسانی که بصورت سنتی درک شده بسیار متفاوت است که این حق به‌عنوان یکی از مصادیق بسیار مهم حقوق بین الملل بشر معاصر قلمداد می شود. کرامت هویت ذاتی و سرشت وجودی و وصف مشترک انسانها می باشد و منشاء بسیاری از حقوق است، بنابراین کرامت چیزی جز انسانیت او نیست و در نتیجه هر انسانی، قطع نظر از اینکه دارای چه فکر و عقیده و چه مذهب و چه رنگ و نژادی می باشد، چون انسان است صاحب کرامت است. گروسیوس می گوید: کرامت روح انسان را لطافت می بخشد "ولی اهانته که ضد کرامت است روح را مجروح می کند". (هوگو گروسیوس، ۲۰۱۳: ۹۰) بر اساس دیدگاه دیگری در حقوق بین الملل نوین، کرامت انسانی باید به عنوان نقطه اتکاء بنیادین برای اعتبار و مشروعیت قوانین بین المللی شناخته شود. تحمل و تنظیم روابط دوجانبه و چندجانبه دولت‌ها نباید در تعارض با احترام به کرامت انسان‌ها باشد، بلکه برعکس، هدف قوانین باید تضمین و ارتقای این کرامت باشد. (پاتریک کپس، ۲۰۰۹، ۱) این نگاه برگرفته از سنت فلسفی کانتی است که حقوق بین الملل را متکی به احترام به خودمختاری و کرامت ذاتی افراد می داند. کپس در کتابش استدلال می کند که بنیاد حقوق بین الملل شامل مفهوم حقوق بین الملل، نظریه طراحی نهادی و روش تفسیر، موارد نمونه این حوزه است که همه بر احترام بنیادین به کرامت انسانی استوارند. این رویکرد، مبانی نظری و عملی حقوق بین الملل را با تمرکز بر ارزش های انسانی بازتعریف می کند. دیوید لوبان (۲۰۰۵) تأکید می کند که کرامت انسانی باید در اخلاق حقوقی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و حقوق دانان به عنوان بازیگران حقوق بین الملل مسئول حفظ و ارتقاء کرامت انسان‌ها هستند. او استدلال می کند که حقوق نباید صرفاً مکانیزمی برای تنظیم منافع دولتی باشد بلکه باید نمایانگر احترام به کرامت هر فرد انسانی باشد و کرامت انسانی را نقطه کانونی و هدف نهایی حقوق بین الملل می داند و نشان می دهد چگونه کرامت می تواند به بهبود تبیین حقوق، بهبود فرآیندهای قضایی و عملیاتی کردن عدالت منجر شود و همچنین اساس تعامل های انسانی در چارچوب قوانین بین المللی باشد.

با بررسی ادبیات حقوق بشر برای پی بردن به ماهیت کرامت انسان به این نتیجه می رسیم که در مباحث حقوق بشری کمتر به مفهوم کرامت پرداخته شده است و در این خصوص دو رویکرد وجود دارد: یکی؛ ارائه مفهوم کلی و دیگری؛ مصادیق، که امروزه رویکرد دوم بیشتر رایج گردیده است. یعنی در صحنه های بین المللی، کرامت انسان را در حقوقی که برای او به رسمیت می شناسند نشان میدهند و مثلاً می گویند: کرامت انسان به اینست که انسان دارای آزادی بیان، دادرسی عادلانه بوده و حق تعیین سرنوشت، حق امنیّت و حق حیات و حق انتخاب داشته باشد و علت این رویکرد اینست که که غربی ها از تعریف کلی مفهومی "کرامت" عاجزند، لذا به تعریف مصداقی روی آورده اند که یک روش است. و همین مبهم بودن مفهوم کرامت انسان

1 Patrick Capps, Human Dignity and the Foundations of International Law, Oxford Hart Publishing, 2009.

2 Charnovitz S, Steger DP, Van den Bossche P, eds. Law in the Service of Human Dignity: Essays in Honour of Florentino Feliciano. Cambridge University Press; 2005.

باعث گردیده که حقوق بین الملل بشر در زمینه‌های مختلف به رشد و شکوفایی خود برسد. در ادامه به بررسی کرامت انسانی در بعضی از اسناد بین المللی خواهیم پرداخت:

## ۱. منشور سازمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر و کرامت انسانی

اگر چه انسانی شدن حقوق بین الملل باعث اعتلا و ارتقای کرامت انسانی شده است اما این اعتلا کافی نبوده است، به این معنی که کرامت انسانی در معنای ارزش نهادن به انسان ها و احترام به آنها صرف نظر از ملیت و مذهب و عقاید آنها آنطور که شایسته انسانها است نبوده و هنوز نیازمند تقویت و اعتلا است. بی تردید مهمترین سندی که در آن با قدرت و صراحت سخن از انسان و کرامت انسانی می شود، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در مقدمه این اعلامیه در دو جا صراحتاً به حق آزادی و امنیت شخصی با بیانی کلی اشاره شده است و این حق را برای هر فردی محفوظ میداند. حتی در مواقعی که فرد متهم به ارتکاب جرم است از یک سری حقوق اولیه برخوردار بوده و هیچکس حق سلب آنرا از وی ندارد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، کرامت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و انتقال ناپذیر آنان به عنوان پایه‌ای برای آزادی، عدالت و صلح جهانی به رسمیت شناخته می‌شود. این کرامت، که با ارزش انسانی هر فرد گره خورده است، از التزام دول عضو سازمان ملل متحد به حفظ، احترام و تضمین اجرای این حقوق سرچشمه می‌گیرد و می‌تواند به عنوان مبنایی برای نظام‌های حقوقی، سیاست‌گذاری عمومی و تعاملات بین‌المللی در نظر گرفته شود. ماده ۱ اعلامیه نیز روشن می‌سازد که همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با یکدیگر برابرند؛ بر این پایه، کرامت انسانی نه تنها یک ارزش اخلاقی بلکه بنیان حقوق بشر و مبنای رفتار عادلانه در سطح جهانی است. در این چارچوب، مفهوم «کرامت ذاتی» به این معناست که ارزش هر فرد مستقل از موقعیت اجتماعی، ثروت یا قدرت او است و برابری حقوق به معنای دسترسی برابر به آزادی‌ها، فرصت‌ها و حمایت‌های قانونی است. از این رو، درک ذاتی بودن کرامت موجب می‌شود دولت‌ها وظیفه حفاظت، احترام و تضمین اجرای این حقوق را به طور فعال بر عهده گیرند و این اصول را به طور عملی در سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و تعاملات بین‌المللی به کار بندند. بنابراین، می‌توان از سه نکته کلیدی سخن گفت: نخست، کرامت ذاتی به معنای ارزش مطلق هر فرد است که به هیچ شرطی از جمله موقعیت اجتماعی یا ثروت او تبعیض نمی‌پذیرد؛ دوم، برابری حقوق به معنای فرصت‌ها و حمایت‌های برابر است که هر فرد را در دسترسی به آزادی‌ها و امنیت قانونی هم‌سطح دیگران قرار می‌دهد؛ و سوم، ذاتی بودن کرامت به دولت‌ها خطاب می‌کند که به صورت فعال و با رعایت اصول منشور، حقوق بشر را به رسمیت بشناسند، از آن حمایت کنند و آن را در سطح ملی و بین‌المللی اجرا نمایند. بدیهی است بر اساس آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، آزاد بودن تمام افراد بشر و عدم تبعیض و تمایز بین آنان از اصول اولیه کرامت انسانها تلقی گردیده است.

## ۲. میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کرامت انسانی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) که بی تردید، دو سند بین‌المللی مهم در حوزه حقوق بشر به شمار می‌آیند که در واقع براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین یافته و استانداردهای آن را توسعه داده‌اند. علاوه بر میثاقین می‌توان به کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) اشاره کرد تا جائی که مجمع عمومی در توصیه نامه‌ای خود تصریح می‌کند که اسناد و حقوق بشری بایستی ناشی از کرامت ذاتی انسانها باشد و این یک ویژگی بنیادین است. پس از آن در بیشتر کنوانسیونها از جمله کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، کارگران مهاجر (۱۹۹۰)، حمایت در برابر ناپدیدگی اجباری، حقوق افراد ناتوان (۲۰۰۷) به کرامت انسانی ارجاع داده شده است. ۳

## ۳. ارکان سازمان ملل و کرامت انسانی

۳ مک کرودن، کریستوفر، کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر، مترجمان: رضا اسلامی، مهسا نجفی ص ۴۲-۴۱

در زمینه احترام به کرامت انسانی و تحقق آرمان‌های سازمان ملل، ارکان سازمان ملل متحد به‌عنوان بازوهای اجرایی این اهداف، اقداماتی مؤثر انجام داده‌اند که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق است. سازمان ملل متحد، به عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین سازمان بین‌المللی که با پیدایش و تکامل روابط بین‌الملل در اواسط قرن بیستم پدید آمد، هر ساله دامنه فعالیت‌ها، مسئولیت‌ها و قدرت و اختیارات خود را گسترش می‌دهد. قطعنامه‌های سازمان ملل، بیان رسمی عقیده یا خواسته‌های ارکان این سازمان محسوب می‌شوند و معمولاً شامل دو بخش مقدمه و قسمت عملی هستند. از آنجا که بر پایه منشور ملل متحد مسئله حقوق بشر بیشتر به مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌شود، قطعنامه‌های مجمع عمومی در نتیجه حمایت دولتها به نتیجه می‌رسد و به طور کلی این قطعنامه‌ها بیانیه‌های نمادینی هستند که موضوعات جهانی را پوشش می‌دهند. کمیسیون حقوق بشر که زیرمجموعه‌ای از شورای اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شد، یکی از ارکان اصلی مبتنی بر منشور ملل متحد در حوزه حقوق بشر بود. با توجه به گزارش‌هایی که درباره نقض حقوق بشر در برخی کشورها ارائه می‌شد و گاه ملاحظات دیگری که مطرح می‌شد، برخی کشورها براساس قطعنامه‌ای که در کمیسیون تصویب می‌شد در چارچوب نظارت ویژه کمیسیون قرار می‌گرفتند. کمیسیون پس از بررسی گزارش‌ها و مذاکره با نمایندگان کشورهای مربوطه اقدام به صدور قطعنامه می‌کرد. با انحلال کمیسیون، وظایف آن به شورای حقوق بشر منتقل شد.

### ۱/۳. مجمع عمومی سازمان ملل و کرامت انسانی

مجمع عمومی، رکن اصلی سازمان ملل متحد است که همه کشورهای عضو در آن شرکت می‌کنند. این مجمع امکان بحث و اظهار نظر درباره هر یک از موضوعات مندرج در منشور سازمان ملل را دارد، هرچند حق دخالت در مسائل مربوط به صلاحیت شورای امنیت را ندارد. با این حال، وقتی شورای امنیت به دلیل وتوهای اعضایش قادر به تصمیم‌گیری در یک مسئله نباشد، مجمع عمومی می‌تواند با درخواست اکثریت اعضا، از دبیرکل یا خود شورای امنیت (با رای موافق ۹ عضو، بدون حق وتو) به جای شورای امنیت تصمیم بگیرد. نمونه‌ای از این روند تصمیم‌گیری، تصمیم مجمع عمومی درباره برخوردهای انگلیس و فرانسه و اسرائیل با مصر در سال ۱۹۵۶ بود که شورا با وتوهای دائم مواجه می‌شد؛ مجمع عمومی نهایتاً به طرفین متخاصم دستور آتش‌بس داد و نیروی امداد ملل متحد را برای نظارت بر آتش‌بس ایجاد کرد.

طبق ماده ۱۲ منشور، شورای امنیت می‌تواند در هر زمان هر مسئله‌ای را که ضروری بداند جهت رسیدگی به مجمع عمومی واگذار نماید بدون اینکه ملزم باشد از قبل به آن رسیدگی کند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رسیدگی به امور حقوق بشر، اجتماعی و مسائل بشردوستانه را به یکی از شش کمیته خود به نام کمیته سوم محول کرده است. این کمیته سوم مصوبات غیر الزامی در ارتباط با وضعیت حقوق بشر کشورها را به تصویب می‌رساند. در این مصوبات معمولاً از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست می‌شود تا وضعیت حقوق بشر در کشورها را بررسی کند. در این راستا، مجمع عمومی قطعنامه‌هایی را درباره وضعیت حقوق بشر به تصویب رسانده است.

مجمع عمومی برای ارتقای احترام به کرامت انسانی، حقوق بنیادین بشر و واقع‌گرایی بیشتر به این حقوق، به دو رویکرد اساسی توجه کرده است: (۱) ایجاد استانداردهای بین‌المللی به‌منظور حمایت از کرامت انسان و حقوق بشر در برابر نقض‌هایی که از سوی افراد یا دولت‌ها صورت می‌گیرد. در این زمینه مجمع برخی اعلامیه‌ها را به تصویب رسانده است که اگرچه الزام‌آور حقوقی نیستند، اما اثر سیاسی فراوانی دارند. از جمله این اعلامیه‌ها: اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸، اعلامیه مربوط به حق توسعه سال ۱۹۶۸ و اعلامیه ۱۹۹۲ حمایت از تمامی افراد از ناپدیدشدگی اجباری. (۲) حمایت: سازوکارهای مبتنی بر معاهده که نهادهایی هستند که معاهدات بین‌المللی حقوق بشری آنها را ایجاد کرده‌اند (Treaty Bodies) و سازوکارهای خارج از معاهده (Extra-Conventional Mechanisms) که شامل گزارشگران ویژه، نمایندگان، کارشناسان و گروه‌های کاری ملل متحد می‌شود. به موجب سازوکارهای مبتنی بر معاهده، نهادهایی شکل گرفته‌اند که این نهادها با اسناد حقوق بشری ملل متحد همسو بوده و از آنها پیروی می‌کنند و آنها را نظارت می‌نمایند. از جمله این نهادها می‌توان کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع

تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق کودک و کمیته حقوق بشر را نام برد. در مقدمه تشکیل این نهادها به بحث منزلت و کرامت انسان پرداخته شده است.

### ۲/۳. شورای اقتصادی و اجتماعی و کرامت انسانی

در رابطه با شورای اقتصادی و اجتماعی باید گفت، به موازات مجمع عمومی، شورا هم نقش تدوینی ویژه‌ای را به عنوان نهادی تخصصی‌تر ایفا کرده است. از جمله تدوین پنج سند عظیم حقوق بشری: میثاقین، کنوانسیون امحا تمام صور تبعیض نژادی، کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید، کنوانسیون امحا هرگونه تبعیض نژادی علیه زنان، کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار و مجازات وحشیانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز که در آنها کم و بیش هر چند با اشاره به کرامت منزلت انسان اشاره شده است و از سوی دیگر، وجود نهادهای حقوق بشری متعددی چون کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون مقام زن نقش تعیین کننده‌ای در اعتلای کرامت انسانی داشته است.

### ۳/۳. شورای امنیت و کرامت انسانی

ماده ۲۵ منشور نشان می‌دهد که اعضا باید تصمیمات شورای امنیت را قبول و اجرا نمایند. شورا می‌تواند با اتخاذ رویه‌ای مناسب و عادلانه و نیز موضع قاطع در برابر وضعیت‌های حادث شده، به ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر و تضمین اجرای آن در داخل مرزهای ملی کمک شایانی بنماید. در عین حال، طبق ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد؛ بنابراین نقض‌های فاحش حقوق بشری که به دلیل تهدید صلح و امنیت بین‌المللی مطرح می‌شوند، تحت صلاحیت فصل VII منشور سازمان ملل متحد (ماده ۳۹) قرار می‌گیرد. با این وجود، از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد، شورای امنیت در قبال نقض گسترده حقوق بشر اقدام نظامی را تجویز کرده است.

علاوه بر این موارد، از جمله زمینه‌های توسعه و حمایت از حقوق بشری می‌توان به نقش شورای امنیت در زمینه سرپرستی انتخابات اشاره کرد که یکی از عمده‌ترین عوامل پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر است؛ از جمله مصادیق آن، قضیه نامیبیا در سال ۱۹۹۸ است. با توضیحات ارائه‌شده و اهمیت کرامت انسانی که احترام و رعایت آن برای همه دولت‌ها الزامی است، شورای امنیت با گسترش دامنه وظایف خویش و ارتباط دادن مسائل گوناگون حقوق بشری با موضوع صلح و امنیت، امروزه فقط درگیری‌های نظامی را به عنوان تنها مخاطره‌آمیزترین عامل برای صلح نمی‌داند. در این بستر فکری، بسیاری از اختلافات قومی و درون‌مرزی، انواع نقض‌های جدی حقوق بشری و برخی از مسائل آوارگان به عنوان تهدیدهای صلح بین‌المللی محسوب می‌شوند. این تفسیر موسع از تهدید صلح جهانی عمل شورا را برای دخالت‌ها باز می‌کند. شورا، با وجود میل دولت‌ها، با این تلقی که مسائل حقوق بشری جزء مسائل داخلی کشورها نیست، به خود اجازه ورود می‌دهد و در این موارد دخالت می‌کند. به این حرکت، «موج ایدئولوژی حقوق بشر» گفته می‌شود که بر اساس آن موضوع حقوق بشر در قلمرو صلح و امنیت بین‌المللی و به تبع آن در دستور کار شورا قرار می‌گیرد. گرایش شورای امنیت در دو دهه اخیر این بوده که با یکی کردن سه مفهوم حقوق بشر، حقوق بشر عمومی (نسل‌های مختلف)، و حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحت عنوان حقوق بین‌الملل بشر، بستر لازم برای دخالت‌های خود در امور کشورها، به بهانه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از منزلت و کرامت انسان فراهم سازد؛ که این نوعی سوء استفاده و سوء برداشت از کرامت انسان است و می‌تواند به عنوان اهرم فشار در مسائل حقوق بشر به کار گرفته شود.

### ۴/۳. شورای حقوق بشر و کرامت انسانی

بر اساس منشور ملل متحد، ترویج و حمایت از حقوق بشر از مأموریت‌های اصلی این سازمان است. شورای حقوق بشر دارای وظایفی است که همه‌ی آنها در راستای حفظ و ارتقاء منزلت و کرامت انسانی است. این وظایف به طور خلاصه عبارتند از:

- شورا وضعیت نقض حقوق بشر، از جمله نقض گسترده و سیستماتیک را مورد خطاب قرار می‌دهد و در این زمینه به ارائه «توصیه» می‌پردازد. شورا همچنین به ارتقای هماهنگی مؤثر و جهت‌دهی حقوق بشر در نظام ملل متحد می‌پردازد.

- شورا بر اساس اصول جهان شمولی، بیطرفی، غیر گزینشی عمل کردن، واقع بینی، همکاری و گفتگوی سازنده بین المللی، با نگاه به ارتقا و حمایت از همه حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مدنی و از جمله حق توسعه عمل می‌کند.

- ارتقای آموزش حقوق بشر، خدمات مشاوره، همکاری فنی و ظرفیت سازی را در دستور کار دارد.

- برای توسعه بیشتر حقوق بین الملل در زمینه حقوق بشر به مجمع عمومی توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد.

- اجرای کامل الزامات حقوق بشری دولت‌ها و اهداف و تعهدات ناشی از کنفرانس‌ها و اجلاس‌های سازمان ملل در ارتباط با ارتقا و حمایت از حقوق بشر را در پیش می‌گیرد.

- در زمینه پیش‌گیری از نقض حقوق بشر از طریق گفتگو و همکاری مشارکت می‌نماید و در موارد اضطراری نقض حقوق بشر واکنش سریع نشان می‌دهد.

در مجموع طرح شورای حقوق بشر را می‌توان آزمونی مهم پیش روی سازمان ملل متحد دانست. بر این اساس مشخص تر می‌شود که کشورهای جهان تا چه حد خواهان بهبود وضعیت حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی هستند. کپس نیز تأکید دارد که بدون توجه به کرامت انسانی، نمی‌توان حقوق بشر را به شکل جامع و کارآمد تعریف و اجرا کرد. به نظر می‌رسد، تشکیل شورای حقوق بشر، نقش جدی تری به سازمان ملل در پی‌گیری خواسته‌های خود از دولت‌ها در راستای حفظ کرامت انسانی و تحقق زمینه‌های آن می‌دهد.

#### ۴. کرامت انسانی در رویه قضایی بین الملل

این ایده حقوق بشری که حق‌های مندرج در قواعد بشر دوستانه بین المللی را بر فرض بنیادین کرامت ذاتی، زوال ناپذیر و مطلق موجود بشری استوار دانسته، هرگز در سطح اسناد باقی نمانده، بلکه مورد استناد قضات بین المللی قرار گرفته و به این ترتیب مقام و منزلت والای خود را به دست آورده است. در خصوص کرامت انسانی در رویه قضایی دو نظریه وجود دارد:

**یکی:** کرامت انسان مبنای حقوق بشر است که در این نظر دو دیدگاه مطرح است: دیدگاه مضیق و دیدگاه موسع

دیدگاه مضیق می‌گوید: کرامت انسان یک شیوه دیگر مجموعه‌ی حقوق بشر است نه چیزی به آن اضافه و نه از آن می‌کاهد ولی دیدگاه موسع می‌گوید: کرامت انسانی مترادف حقوق بشر نیست اما برای خود ارزش منحصر به فردی است که سازنده حقوق بشر است.

**دیگری:** کرامت انسان در شرایط خاص می‌تواند منبع حق یا تکلیف باشد.<sup>۴</sup>

دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) علاوه بر محاکمه متهمان به اتهام نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و نقض حقوق بین‌الملل عرفی، ارتکاب جنایات جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت را نیز تحت بررسی و تعقیب قرار داده است؛ و در عین حال به طور مشخص به جرم اهانت به کرامت انسانی به عنوان جرمی مستقل نیز توجه نموده است. به‌عنوان نمونه، شعبه رسیدگی‌کننده دیوان در حکم مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ خود چنین ملاحظه کرده است: «ذاتِ نظام

۴. مک کوردن، کریستوفر، ص ۶۳

بشردوستانه بین‌المللی و نیز نظام حقوق بشر، حمایت از کرامت انسانی است. اصل عام احترام به کرامت انسان، اساس و فلسفه وجودی نظام بشردوستانه بین‌المللی و نظام حقوق بشر است. اصل کرامت انسان در صدد است تا موجودات بشری را از هتک حرمت نسبت به عزت نفس، شرافت و منزلت ایشان مصون بدارد.<sup>۵</sup> همچنین، شعبه رسیدگی‌کننده دیوان در حکم مورخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۱ درباره جرم اهانت به کرامت شخص، این جرم را در چارچوب ماده سه مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، به‌عنوان جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی دانسته و آن را در زمره جرایم شدید به‌شمار آورده است. و می‌افزاید: «این جرم در چارچوب ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی است. حقوق بین‌الملل عرفی، نقض مفاد ماده ۳ مشترک و نقض حقوق و عرف‌های جنگ را موجب مسئولیت کیفری برای شخص مرتکب می‌گردد.» به این ترتیب دیوان بر این نکته مهم تأکید کرده است که اهانت به کرامت انسان، در نظام حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی جرم‌انگاری شده است. شعب دیوان با اندکی اختلاف، بر این باورند که جرم اهانت به کرامت انسان از مصادیق بارز رفتار غیرانسانی بوده که ناقض ماده ۳ اساسنامه دیوان و قواعد و عرف‌های جنگ است و به‌ویژه ناقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو می‌باشد و از این جهت در زمره جرایم شدیدی قرار دارد که ارتکاب آن مسئولیت کیفری مرتکب را به دنبال دارد؛ هرچند شعب دیوان تعریف جامعی از این جرم ارائه نکرده‌اند. شعبه رسیدگی‌کننده دیوان در رأی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶ تصریح می‌کند: «جرائم علیه بشریت، اعمال بشدت خشونت آمیزی است که با هجمه به اساسی‌ترین حقوق موجودات بشری، همچون حق حیات، حق آزادی، حق صحت و سلامتی جسمانی و روحی و کرامت انسانی به آنان آسیب وارد می‌کند. اعمال ضد بشریت، اعمال غیر انسانی هستند که به جهت گستره و شدت، مرزهای مدارا و بردباری را در جامعه بین‌المللی در نوردیده و به ناچار باید مجازات مرتکبان آنها را مطالبه نمود.<sup>۶</sup> دیوان اضافه می‌نماید که شیوه ارتکاب جرائم نشان از آن دارد که مرتکب در هنگام ارتکاب جرم در قبال قداست حیات و کرامت انسان<sup>۷</sup> پستی کامل از خود نشان داده است.<sup>۸</sup> در نتیجه ملاحظه می‌شود که اساسنامه‌های دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دیوان روندا و نیز دیوان بین‌المللی کیفری، رعایت اصل کرامت انسان را در مورد متهمان به ارتکاب مهم‌ترین جنایات جنگی یعنی نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت را لازم‌الرعایه دانسته‌اند.

#### ۱/۴. کرامت انسانی در آراء دیوان بین‌المللی دادگستری

در نگاه اول به نظر می‌رسد که دیوان در توسل به زبان کرامت انسانی در رسیدگی‌هایش اشاره ننموده است، لکن مفهوم کرامت بارها در مورد دولت‌های ملی و نهادهای وابسته به سفارت و کنسولگری استفاده شده است. در یک بررسی دقیق تر نشان می‌دهد که کرامت انسانی در نظرات مخالف و موافق اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری بارها بکار رفته است چنانکه در پرونده جنوب غرب آفریقا در سال ۱۹۷۱، قاضی تاناکا و معاون رئیس دیوان، آمون استدلال می‌کند که تبعیض نژادی و آپارتاید مخالف حقوق بین‌الملل است.<sup>۹</sup> و یا قاضی شهاب الدین در نظریه مشورتی سال ۱۹۹۶ استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را مخالف تضمین حقوق بشر دانست. قاضی ویرمانتری هم در بخشی از نظر خود در مورد جرم ژنوساید در سال ۱۹۹۶ به کرامت انسانی متوسل شد.<sup>۱۰</sup> از مجموع آراء دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توان دریافت که این دیوان از مفهوم کرامت انسانی در رویه حقوق بشری استفاده کرده است.

#### ۲/۴. کرامت انسانی در دادگاه اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی دادگستری

در تفاسیر کمیسیون اروپایی حقوق بشر به خصوص در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد منع شکنجه و رفتارها و مجازات‌های تزدیلی، کرامت انسانی بطور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است و دیوان بر کرامت انسانی به عنوان مبنای

<sup>5</sup> ICTY, The Prosecutor v. Njiric, 29 November 1996, case No IT-94-92 R61. Trial chamber, para. 28

<sup>6</sup> Sanction of life and Human Dignity

<sup>7</sup> ICTY, Case No IT-96-200 s, 18 December 2003, paras 192-3

<sup>8</sup> Ethiopia V. South Africa; Liberia V. South Africa (Second Phase), Judgment Of South West Africa Cases July 1966 [1966] ICJ Rep 6. At 308.312

<sup>9</sup> مک کوردن، کریستوفر، ص ۶۶-۶۵

تصمیم‌گیری تأکید کرد. اولین ارجاع به کرامت انسانی در تصمیم کمیسیون اروپا در قضیه آسیایی‌ها و آفریقایی‌های غرب، اعمال تبعیض نژادی را منجر به نقض کرامت انسانی دانست.<sup>۱۰</sup> و اولین ارجاع دادگاه اروپایی حقوق بشر به کرامت انسانی می‌توان از پرونده تیرر (Tyrrer) علیه دولت بریتانیا نام برد که در این پرونده مجازات بدنی جزئی از یک حکم قضایی بود که دادگاه اروپایی حقوق بشر آنرا نقض آشکار ماده ۳ کنوانسیون و مخالفت تمامی جسمانی و کرامت فرد دانست و پس از آن کرامت انسانی در حق بر دادرسی عادلانه، حق بر زندگی خصوصی، اصل قانونی بودن مجازات‌ها و اصل منع شکنجه مورد استناد قرار می‌گیرد و در حال حاضر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، کرامت انسانی را مبنای حقوق تضمین شده در کنوانسیون می‌داند.<sup>۱۱</sup> و می‌گوید: جوهره هر کنوانسیون احترام به کرامت انسانی و آزادی بشر است.

### ۳/۴. کرامت انسانی در دادگاه‌های ملی

شوق استفاده از مفهوم کرامت انسانی در صلاحیت‌های محاکم داخلی کشورها توسط نظام قضایی آنها روز بروز رو به افزایش است. مثلاً مفهوم کرامت انسانی پس از پایان جنگ جهانی دوم توسط جنبش‌های کارگری و کاتولیک به دیوان عالی ایالات متحده آمریکا معرفی شد. و عدالت با مفهوم کرامت عجین شد. در واقع این سنت به صورت برجسته در نظریات قاضی برنان ۱۲ که او به شدت تحت تأثیر هر دو اندیشه بود ادامه یافت.<sup>۱۳</sup> بعد از آن دیوان عالی آمریکا از مفهوم کرامت انسانی در تفسیر متمم هشتم قانون اساسی، بحث دادرسی عادلانه، گسترش حق‌های خصوصی در مورد سقط جنین و اولین اصلحیه حق بر آزادی بیان استفاده کرد. اخیراً قضات دیوان عالی در لغو ممنوعیت قانونی همجنس‌گرایی و منع اعدام کسانی که عقب مانده ذهنی هستند به کرامت انسانی اشاره کرده‌اند. حتی در کشورهایی که قبلاً به کرامت انسانی در رویه‌های قضایی تصریح شده اما بعداً حذف گردیده می‌توان به منشور حقوق کانادایی اشاره کرد.<sup>۱۴</sup> اصل کرامت مقرر می‌دارد که همه موجودات بشری به صرف انسان بودن و فارغ از هرگونه تمایز از حیثیت ذاتی برخوردار می‌باشند و اقتضای آن دارد که فرد انسانی از هر طبقه، گروه، فرقه، نژاد یا زبانی که باشد، حتی اگر جنایتکار جنگی باشد، مخالف و معاند سیاسی باشد و یا جاسوس، خائن و ... و حتی محکوم به اعدام باشد باید به عنوان یک انسان به او نگاه کرد و حق دارد که از یک محاکمه و دادگاه عادلانه برخوردار و با رعایت تشریفات قانونی و اصول عدالت کیفری صورت پذیرد. که اساسنامه‌های دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دیوان رواندا و نیز دیوان بین‌المللی کیفری رعایت این اصول را در مورد متهمان به ارتکاب مهم‌ترین جنایات بین‌المللی یعنی نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت لازم‌الرعایه دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup> از مجموع آنچه گفته شد می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که کرامت انسان چه به عنوان یک اصل حقوقی باشد یا یک حق با تعهد یا حتی یک اصل توجیهی، به نظر می‌رسد که ارزش خاص آن در تفسیر قضایی ناشی از ایده اصلی کرامت انسانی است. یعنی گاهی اوقات کرامت انسانی به استقلال فردی مرتبط شده است. برای مثال آزادی زن برای سقط جنین<sup>۱۶</sup> بر پایه کرامت توجیه می‌شود. یا منع تحقیر به همراه کرامت یا کرامت به همراه حمایت از افراد در برابر شکنجه توسط قدرت حاکم و گاهی ماحصل کرامت عدم تبعیض ذکر می‌شود.<sup>۱۷</sup> در نتیجه هر انسانی در روند دادرسی حق دارد تا از حقوق حقه خود بتمامه مطلع گشته و از آن حقوق برخوردار و دارای وکیل باشد. اصولی از قبیل برائت، قانونی بودن جرائم و

10 East African Asian V. United Kingdom, 3 EHRR (1981) 76. At paras 203-207

11 Pretty V. United Kingdom, 24 EHRR (1997) 433, at para. 65

12 Brennan Judge

۱۳ مک کرودن، کریستوفر، ص ۶۸

۱۴ همان، ص ۶۹

۱۵ قربان نیا، ناصر، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲

۱۶ دادگاه قانون اساسی مجارستان در قضیه سقط جنین به بحث کرامت انسانی نظر داشته است. بنابر استدلال این دادگاه هنگامی که وزن بین حق‌ها و تعهد دولت به حفظ زندگی جنین را می‌سنجیم، حق مادر بر تعیین سرنوشت خود به عنوان بخشی از کرامت وی وزن مهمتری خواهد بود. هم چنین دعوی ترنبرگ علیه کالج آمریکایی زنان و زایمان، قاضی بلکمون (Blackmun Judge) ماهیت بنیادین حق بر حریم خصوصی در مورد زنانی که تصمیم‌های اندکی خصوصی تر و شخصی تر از تصمیم یک زن تحت نظر پزشک به قطع دوره بارداری وجود دارد و به اصل کرامت انسانی و استقلال فردی بسیار نزدیک است. حق انتخاب آزادانه یک زن یک حق بنیادین است. و در دعوای دیگر نظر اکثریت قضات برای حمایت از حق انتخاب زن بر اساس زبان مبتنی بر کرامت بوده به نظر اکثریت قضات پرونده استقلال زن در تصمیم بر سقط جنین، دولت حق دخالت در آنرا ندارد. (مک کرودن، کریستوفر، کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر، ص ۷۵)

۱۷ مک کرودن، کریستوفر، ص ۷۰

شخصی بودن مسئولیت کیفری در مورد او رعایت و مجبور به اقرار علیه خود نگردد و چنانچه جرم او ثابت گردید بصورت انسانی با او رفتار و کرامتش رعایت گردد حتی اگر خود او به ظاهر فاقد عزت نفس باشد. اگر به عنوان مجازات محکوم به حبس میشود از حقوق انسانی در مدت محکومیت محروم نگردد و به کرامت وی اهانت نشود.<sup>۱۸</sup>

## ۵. کرامت انسان در رویه قضایی داخلی و بین المللی

این ایده حقوق بشری که حق‌های مندرج در قواعد بشر دوستانه بین المللی را بر فرض بنیادین کرامت ذاتی، زوال ناپذیر و مطلق موجود بشری استوار دانسته، هرگز در سطح اسناد بین المللی باقی نمانده، بلکه مورد استناد قضات بین المللی قرار گرفته هر چند دیوان بین المللی دادگستری از مفهوم کرامت انسانی در رویه حقوق بشری استفاده نکرده اما یک بررسی دقیق تر نشان می دهد که کرامت انسانی در نظرات مخالف و موافق اعضای دیوان بین المللی دادگستری بارها بکار رفته است<sup>۱۹</sup> و به این ترتیب مقام و منزلت والای خود را به دست آورده است. از رویه قضایی چنین بر میآید که کرامت انسانی مبنای یک دیدگاه اخلاقی جامع جهانی است که از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت‌های بارزی دارد. به عبارت دیگر صحبت از کرامت انسانی یک روش خلاصه وار از مجموعه پیچیده و چندگانه روابط انسانی است که بایستی کنترل شود. رابطه بین انسان و انسان، انسان و خدا، انسان و حیوان، انسان و طبیعت و رابطه بین انسان و جهان.<sup>۲۰</sup> اولین نشانه‌های اهمیت کرامت انسانی در رویه حقوق بشر بعد از جنگ جهانی دوم در دیوان اروپایی دادگستری مطرح شد. و در تفاسیر کمیسیون اروپایی حقوق بشر به خصوص در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد منع شکنجه و رفتارها و مجازات‌های تزدیلی، **کرامت انسانی** بطور وسیعی مورد استفاده قرار گرفت و دیوان بر کرامت انسانی به عنوان مبنای تصمیم گیری تأکید کرد.<sup>۲۱</sup> و در حال حاضر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، کرامت انسانی را مبنای حقوق تضمین شده در کنوانسیون می‌داند.<sup>۲۲</sup> دیوان اروپایی در تفسیر یک دستوالعمل که تبعیض جنسی در اشتغال را منع کرده بود اما در صورت تغییر جنسیت از کار اخراج می شد اظهار کرد: "مدارا با چنین تبعیضی به مثابه نقض احترام به کرامت انسانی و آزادی فرد مورد نظر است و دیوان موظف است که صیانت کند" و در قضیه دیگر ۲۳ دادگاه بیان کرد که نظم حقوقی، اتحادیه تلاش می‌کند که احترام به کرامت انسانی را به عنوان یک اصل کلی حقوقی تضمین کند.<sup>۲۴</sup> البته تفاوت رویکرد در شیوه های مختلفی که دادگاههای داخلی در رابطه با کرامت انسانی اتخاذ تصمیم می‌کنند هم به نحوی انعکاس یافته است. مثلاً دادگاه قانون اساسی آلمان در مجازات حبس ابد رویکردی بیشتر اجتماعی اتخاذ کرده است در حالیکه رویکرد غالب در دیوان عالی ایالات متحده آمریکا و دیوان عالی کانادا و دادگاه قانون اساسی مجارستان بیشتر فردگرایانه است.<sup>۲۵</sup> که برای نمونه در حکم دیوان عالی کانادا در قضیه گوسلین<sup>۲۶</sup> رئیس دیوان عالی کانادا رویکردی به شدت فردگرایانه اتخاذ نمود.<sup>۲۷</sup> و در پرونده ای

۱۸ پیشین، ص ۱۴۴

۱۹. از جمله در پرونده جنوب غرب آفریقا در سال ۱۹۷۱، قاضی "ناناکا" و معاون رئیس دیوان "آمون" استدلال می‌کند که تبعیض نژادی و آپارتاید مخالف حقوق بین الملل است و هم چنین در پرونده تجدید نظر از تصمیم دادگاه اداری سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۳، "قاضی دی کاسترو" در رویه های رسیدگی اداری نسبت به کارکنان به "کرامت انسانی" اشاره می‌کند. قاضی شهاب الدین در نظریه مشورتی سال ۱۹۹۶، استفاده از سلاحهای هسته‌ای را مخالف تضمین حقوق بشر دانست. و "قاضی ویرمانتری" در بخشی از نظر خود در مورد جرم "ژنوساید" در سال ۱۹۹۶ به کرامت انسانی متوسل شد. (مک کرودن، کریستوفر، ص ۶۵ و ۶۵)

۲۰ مک کرودن، کریستوفر، ص ۴۶

۲۱ همان، ص ۶۶

۲۲ همان، ص ۶۷

23 case omega

۲۴ همان، ص ۶۸

۲۵ مک کرودن، کریستوفر، ص ۹۲

26 Gosselin

۲۷ قضیه گوسلین (Gosselin) این بود که آیا طرح اشتغال در برابر اعانه (Workfare) استانی که مزایای اجتماعی برای افراد زیر خط فقر کمتر از سی سال فراهم می‌کرد بویژه بر اساس تبعیض سنی، معایر قانون اساسی است یا خیر؟ در نظام حقوقی کانادا، معیار تشخیص تبعیض آسیب دیدن کرامت فرد است. اکثر قضات دیوان حکم دادند که هیچ تبعیضی وجود ندارد. بر اساس حکم رئیس دیوان عالی هیچ قسمت تبعیض آمیزی وجود نداشت؛ چرا که هیچ تجاوزی نسبت به کرامت فرد صورت نگرفته بود، بلکه شواهد نشان میداد که نظام تحت قانون کمکهای اجتماعی در پی توسعه استقلال جوانان دریافت کننده تسهیلات در خلال همبستگی آنها با

دیگر تصمیم دیوان عالی کانادا رأی اکثریت قضات که توسط قاضی مک لاکلین ۲۸ ایراد شد. نگاهداری فاحشه خانه مشترک برای اعمال ناشایست محکوم شد. دادگاه ایده کرامت انسانی را در ارزیابی خود آنچه مشمول هرزگی است مطرح کرد، رفتاری که تصویری منفی از بشریت را تداوم و احترام به اعضای گروههای هدف را تضعیف و این زمینه را برای ایجاد رفتارهای ضد اجتماعی علیه آنها مهیا ساخته این رفتارها ممکن است بطور رسمی هنجارهای اجتماعی به رسمیت شناخته شده نظیر برابری و کرامت تمام افراد بشر را نقض کند.<sup>۲۹</sup>

## ۶. کرامت انسانی در دکتترین حقوقی بین الملل

یکی از مبانی که جایگاه ویژه‌ای در دکتترین حقوقی بین الملل دارد کرامت انسانی است. اما با وجود اهمیت فراوانی که دارد تاکنون در اسناد بین المللی و حتی داخلی تعریف جامعی از آن به عمل نیامده است. اما صاحب نظران و عالمان سعی در روشن کردن معنا و مفهوم کرامت انسانی داشته‌اند که در مواردی هم در این زمینه موفق بوده‌اند. «در حقوق بین- الملل این مبانی مهم را میتوان هم جزء مبانی حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه تلقی کرد.»<sup>۳۰</sup> «برخی از فلاسفه ی مذهبی، کرامت انسانی را از دلایل تقدس انسان میدانند و معتقدند که تمام حق‌های موجود در حقوق ناشی از همین خصیصه است.»<sup>۳۱</sup> «برای اولین بار امانوئل کانت<sup>۳۲</sup> (۱۷۲۴-۱۸۰۴) با طرح نظریه‌ی "خودمختاری اخلاقی و استقلال ذاتی انسان" و پاره‌ای از اصول اخلاقی از جمله "اصل غایت بودن انسان" اندیشه‌ی کرامت انسانی را به صورت کاملاً عقلانی تبیین نمود و بعدها فلاسفه و اندیشمندان دیگری چون «مک دوگال»<sup>۳۳</sup>، «لاسل»<sup>۳۴</sup>، و «چن»<sup>۳۵</sup> برای توجیه حقوق بشر و حمایت از آن نظریه مبتنی بر کرامت "را ارائه کردند. کانت در تعریف کرامت انسانی میگوید که کرامت انسانی، حیثیت و ارزشی است که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی و توانایی اخلاقی که دارند، به طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند. ارزش اصل کرامت انسانی در نزد بعضی از اندیشمندان غربی تا آن حد است که کرامت بشری را دارای ارزش جهانشمول دانسته و حقوق بشر را به معنای کمال حمایت از کرامت بشری میدانند. در واقع استقلال اراده و کرامت، وصف ذاتی تمامی افراد بشر است. از این رو، همه آنها در کرامت برابرند و هیچ کس از این حیث بر دیگری برتری ندارد.»<sup>۳۶</sup> و بدین ترتیب پس از منشور، کرامت در اسناد متعدد حقوق بشری مورد تأکید واقع تا جایی که در ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو بر ممنوعیت خدشه دار کردن حیثیت و کرامت افراد تأکید شده است.<sup>۳۷</sup> لذا با تصویب کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ در راستای توجه به کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه، مورد توجه معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی قرار گرفت و به تبع آن ضمانت اجرایی هم به منظور اجرای آن و حفظ کرامت انسان مورد تصویب قرار گرفت، در نتیجه کرامت انسان و حفظ حیثیت و شرافت بشری هسته مرکزی دکتترین حقوقی بین المللی تلقی می‌شود.

## جمع‌بندی و نتیجه

کرامت ذاتی، حقی است طبیعی و خدادادی که آفریدگار هستی در نهاد و وجود تمامی انسانها به ودیعت نهاده و همگان را از آن بهره‌مند ساخته است. این حق مورد پذیرش اسناد حقوقی از قبیل منشور به عنوان (حیثیت انسانی)، اعلامیه جهانی حقوق بشر

---

نیروی کار مولد و مبارزه با اثرات مہلک بیکاری، انگیزه مشارکت را بالا برده و استقلال فردی، عزت نفس، احساس با ارزش بودن و قدرت که همگی از ملزومات کرامت انسانی است را به همراه دارد. (به نقل از کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر، کریستوفر مک کرودن، صص ۹۵-۹۴)

28 Mc Lachincg

۲۹ همان، ص ۹۷

۳۰ قربان نیا، ناصر، ص ۸۵

31 Jerome j. shestack, The Philosophic Foundations of Human Rights, Hvman Rights Quarterly john Hop Kins university press, vol 20, No2, p.225

32 Immanuel Kamt

33 Mc.dougal

34 Lasse Well

35 Chen

36 Migvel, Carlos Ruiz, Human Dignity: History of an Idea, at: [Ntp://Web, usc, es/ ruiz mi/pdf/dignity, pdf.p.11](http://Web, usc, es/ ruiz mi/pdf/dignity, pdf.p.11)

37 See: Convention (1) for the Amelioration of the Condetion of the Wounder and Sick in Arm Forces in the Field, Geneva, 12 August 1949 in Diplomatic Conference of Geneva of 1949, Available at: [www. Icrc. Org/ihl1.nsf/intro/365?open Document](http://www. Icrc. Org/ihl1.nsf/intro/365?open Document).

به عنوان (حیثیت و ارزش شخصیت انسان) تعبیر شده و همچنین میثاقین و در ارکان سازمان ملل (مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی اجتماعی، شورای حقوق بشر) و در رویه قضایی داخلی و بین‌المللی و نیز مقبول اسناد حقوق بین‌الملل بشر می‌باشد. ایده کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری باعث می‌شود که در رویه قضایی مختلف یک مبنای مشترک برای تفسیر قضایی بین قضاوت وجود داشته باشد. اصل کرامت انسان در صدد است تا موجودات بشری را از هتک حرمت نسبت به عزت نفس، شرافت و منزلت مصون بدارد. با اینکه این وصف انسانی از همان اوان حیات بشر همواره با وی و در اندیشه‌های اخلاقی و دینی مورد عنایت بوده است لیکن این مهم به صورت علمی و با نگاهی متفکرانه بشری بعد از تهیه و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مورد توجه قرار گرفته و به عبارتی عمر کرامت انسان از دیدگاه حقوق بین‌الملل به بعد از منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر میرسد. هر چند در قبل از صدور اعلامیه و قبل از جنگ جهانی دوم اعلامیه دیژون ۳۸ مصوب ۱۹۳۶ احترام به کرامت انسانی و رفتار مدنی را بیان کرده و ژاک ماریتین ۳۹ نقش بسزایی در اهمیت دادن به کرامت انسانی داشته و در واقع او بود که کرامت را وارد امور سیاسی و دیپلماسی بین‌المللی کرد. البته مباحثی در خصوص کرامت انسانی در کتاب حقوق جنگ و صلح هوگو گروسیوس نیز در جای جای مباحث کتاب آمده است. من جمله در رابطه با سفسطه بازان در میان فقیهان مسیحی که می‌گویند نه تنها قتل در قبال یک سیلی جایز است بلکه حتی اگر ضارب فرار کرد قتل برای اعاده حیثیت مجاز خواهد بود. این عقیده به نظر من هیچ علقه‌ای با عقل یا تقوی و دینداری ندارد، زیرا حیثیت به معنای کرامت یک شخص از نگاه خود اوست و کسی که چنان ضربه‌ای را متحمل می‌شود و صبر پیشه می‌کند در واقع نه تنها در کرامت او کاستی پدید نیامده بلکه کرامت خویش را افزون نیز کرده است. (هوگو گروسیوس، ۲۰۱۳: ۱۷۰) امروزه این مقوله را می‌توان به نوعی ادعا نمود که تا حدودی جهانشمولی آن در حال رشد بوده و خوشبختانه از چنان اهمیتی برخوردار گشته است که هیچ فعلی از افعال انسانی و هیچ اقدامی از سوی دولت‌ها در مباحث حقوق بشری نمی‌تواند بدون توجه به کرامت انسان و در واقع بدون سازگاری با آن صورت گیرد و شوق استفاده از مفهوم کرامت انسانی در صلاحیت‌های محاکم داخلی کشورها توسط نظام قضایی آنها رو به افزایش است. در ادبیات حقوق بشری، کرامت انسان بیشتر از طریق مصادیق و حقوق مشتق شده‌ای چون حق حیات، آزادی بیان، برابری و منع تبعیض مورد شناسایی قرار گرفته است تا از طریق یک تعریف نظری واحد که این امر سبب شده است که برداشت‌ها و تفاسیر متفاوتی از مفهوم کرامت انسانی در نظام‌های حقوقی و سیاسی ارائه شود؛ که به نظر راقم این سطور خطری جدی در تفسیر از این مفهوم است و با آموزه‌های دینی ما همخوانی ندارد و ما این را در راستای کرامت انسانی نمی‌دانیم بلکه در جهت لثامت و پستی انسانی است. و این ایراد همچنان باقیست که تاکنون هیچ تعریف جامعی از کرامت انسان در هیچیک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی نیامده است و بلکه در اسناد بین‌المللی غالباً از عبارت "حیثیت و شرافت انسانی" استفاده شده، جایی که تأکید بر احترام، منزلت اجتماعی و اعتبار حقوقی انسان است. ضمن اینکه در مباحث حقوق بشری اصلاً به مفهوم کرامت ذاتی انسان که کلید اصلی در نوع برداشت غلط از کرامت انسانی است، پرداخته نشده و بیشتر به مصادیق پرداخته شده است.

با وجود این، تردیدی نیست که کرامت انسانی به‌عنوان هسته مرکزی حقوق بین‌الملل بشر، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای عدالت، تضمین صلح و پیشگیری از نقض حقوق بنیادین بشر دارد. تجربه دادگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که استناد به اصل کرامت انسانی توانسته است به‌عنوان مبنای مشترک قضاوت و حقوقدانان، روند یکسان‌سازی تفسیر و اجرای حقوق بشر را تسهیل نماید. بنابراین کرامت انسانی به‌عنوان پایه بنیادین و اصلی حقوق بین‌الملل باید به رسمیت شناخته شود و حقوق بین‌الملل باید ناظم و حافظ کرامت همه انسان‌ها باشد، نه صرفاً تنظیم‌کننده روابط میان دولت‌ها. کرامت انسانی باید محور اصلی طراحی، تفسیر و اجرای قوانین و نهادهای بین‌المللی باشد تا بتواند اعتبار و کارایی خود را حفظ کند.

## منابع: منابع فارسی:

### کتاب:

- آقایی، قاسم، (۱۳۸۳) مداخله بشر دوستانه از ممنوعیت تا ضرورت، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۴۱.
- حقوق بشر در جهان امروز، (۱۳۷۹) اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد، ترجمه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران: چاپ اول
- ذاکریان. مهدی، (۱۳۸۳) مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، نشر میزان، تهران
- رحیمی نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۸) کرامت انسان در حقوق کیفری، پایان نامه‌ی دکتری حقوق جزای دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

### مجموعه مقالات:

- بادرین، مسعود، (۱۳۸۲) حقوق بشر و حقوق اسلام: اسطوره ناهمخوانی، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر: مبانی نظری حقوق بشر، دانشگاه مفید قم
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۶)، نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل؛ دهقان علیشاهی، مهدی (۱۳۹۴)، بررسی مبانی نظری احترام به شخصیت انسانی مجرمان در طول مجازات، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۳
- قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۷) حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۱۵
- مک کوردن، کریستوفر (۱۳۹۷) کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر، ترجمه رضا اسلامی، مهسا نجفی، انتشارات خرسندی، تهران
- موسی زاده، رضا، (۱۳۸۹) حقوق سازمانهای بین‌المللی: حقوق شورای امنیت، نشر میزان، تهران، چاپ اول
- هوگو گروسیوس، (۱۳۹۳) حقوق جنگ و صلح، ترجمه دکتر حسین پیران، شهر دانش، تهران، چاپ اول

### اعلامیه ها:

- اعلامیه اجلاس هزاره نیویورک، (۱۳۷۹) سازمان ملل متحد، ۶-۸ سپتامبر ۲۰۰۰، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد

### منابع خارجی:

Charnovitz S, Steger DP, Van den Bossche P, eds. Law in the Service of Human Dignity: Essays in Honour of Florentino Feliciano. Cambridge University Press; 2005.

Jerome J. Shestack (1998). the Philosophic Foundations of Human Rights, Human Rights Quarterly, John Hopkins University Press, Vol 20, No 2

Miguel, carlos Ruiz(2002). Human Dignity: History of an Idea, at: <http://Web. USC, es/ ruiz mi /pdf/ dignity. Pdf. P.11>

Patrick Capps, Human Dignity and the Foundations of International Law, Oxford Hart Publishing, 2009.

اسناد:

Convention (1) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Arm Forces in the Field, Geneva, 12 August 1949 in Diplomatic Conference of Geneva of 1949, Available at: [www. Icrc. Org/ihl.nsf/intro/365.open Document](http://www. Icrc. Org/ihl.nsf/intro/365.open Document).

پرونده ها:

East African Asian V. United Kingdom, 3 EHRR (1981) 76. At paras 203-207

Ethiopia V. South Africa: Liberia V. South Africa (Second Phase), Judgment Of South West Africa Cases July 1966 [1966] icj Rep 6. At 308.312

ICTY, Case No, IT-96/17/1 ,10 December 1998, paras 162-183

ICTY, Trial chamber, The Prosecutor V. Kunarac (judgment) 22 Feb. 2001, case No. IT-96-23-T, Part, 108

ICTY, The Prosecutor v. Nikolic. 29 November 1996. case No IT.94-92 R61. Trial chamber, para. 28

ICTY. Case No IT.96-200 s, 18 December 2003. paras 192-3

Pretty V. United Kingdom, 24 EHRR (1997) 433, at para. 65

سایت ها :

<http://www2.dw-world.de/persian/menschenrechte/print/1.168319.1.html>

<http://www2.dw-world.de/persian/menschenrechte/print/1.168319.1.html>

<http://www.unic-ir.org/inst/Commission60.pdf>

<http://www.mahdaviat-conference.com/vdcca4g182bg4la2.htm>